



جغرافیا و روابط انسانی، زمستان ۱۴۰۴، دوره ۸، شماره ۴، صص ۳۸۹-۴۰۷

بررسی عملکرد و چالش‌های مدیریت یکپارچه شهری در بهبود کیفیت زندگی شهروندان

منطقه ۳ شهر تهران

رضا حیدری^۱، علی توکلان^{۲*}، رحیم سرور^۳

۱- رضا حیدری گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،

ایران

۲- علی توکلان گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

dr.tavakolan@me.com

۳- رحیم سرور گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۲۴

ایران تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۱۲

چکیده

در دهه‌های اخیر، گسترش ناهماهنگی‌های مدیریتی در سطوح مختلف شهری، یکی از موانع اصلی تحقق زیست‌پذیری و پایداری شهری در کلان‌شهرها به شمار می‌رود. در این میان، مدیریت یکپارچه شهری به‌عنوان رویکردی کل‌نگر، می‌تواند با ایجاد هم‌افزایی میان نهادها و ذی‌نفعان شهری، به بهبود ابعاد مختلف زیست‌پذیری شهرها کمک کند. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف تحلیل سازوکارهای مدیریت یکپارچه و نقش آن‌ها در ارتقای زیست‌پذیری شهری انجام شده و منطقه ۳ شهر تهران را به‌عنوان مطالعه موردی مورد بررسی قرار می‌دهد. هدف اصلی تحقیق، شنا سابی و تحلیل روابط میان مؤلفه‌های مدیریت یکپارچه شهری و ابعاد اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و کالبدی زیست‌پذیری است. این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌های آن از طریق دو پرسشنامه گردآوری شده است؛ یکی با مشارکت کارشناسان مدیریتی و دیگری با بهره‌گیری از دیدگاه‌های خبرگان حوزه برنامه‌ریزی شهری. برای سنجش روایی و پایایی ابزار تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده که نتایج آن بیانگر اعتبار قابل قبول پرسشنامه‌هاست. تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که میان مدیریت یکپارچه شهری و شاخص‌های مختلف زیست‌پذیری رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. یافته‌ها حاکی از آن است که اتخاذ رویکرد جامع و یکپارچه در مدیریت شهری، با تقویت ابعاد گوناگون زیست‌پذیری، می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای کیفیت زندگی شهروندان و تحقق پایداری شهری گردد. بنابراین، تدوین راهبردهای هماهنگ مبتنی بر تعامل میان سطوح مختلف مدیریتی و ذی‌نفعان شهری برای بهبود زیست‌پذیری در منطقه ۳ ضروری ارزیابی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: مدیریت شهری، مدیریت یکپارچه، زیست‌پذیری، منطقه ۳ کلان‌شهر تهران.

مقدمه

در جهان امروز، رشد شتابان جمعیت و افزایش بی‌رویه شهرنشینی، مدیریت زیست‌پذیری شهری را به یکی از مسائل حیاتی در عرصه توسعه پایدار شهری بدل کرده است. شهرها به‌ویژه کلان‌شهرهایی نظیر تهران با چالش‌های متعددی از جمله آلودگی محیط‌زیست، کمبود فضاهای سبز، ازدحام و ناهماهنگی‌های مدیریتی مواجه‌اند که به صورت مستقیم بر کیفیت زندگی شهروندان تأثیر می‌گذارند. از این رو، طراحی و اجرای راهبردهای اثربخش برای مدیریت یکپارچه شهری به‌عنوان رویکردی کل‌نگر در بهبود زیست‌پذیری، به ضرورتی اساسی در سیاست‌گذاری‌های شهری تبدیل شده است. گسترش سریع کالبدی شهرها، پیشرفت‌های فناوریانه و گرایش روزافزون به سبک زندگی ماشینی، از مهم‌ترین عواملی‌اند که منجر به آلودگی، تخریب محیط‌زیست و پوشش گیاهی شهرها و حومه‌های آن‌ها شده و تعادل اکولوژیکی را برهم زده‌اند. در چنین شرایطی، افزایش جمعیت و تداوم روند شهرنشینی موجب فاصله‌گیری روزافزون انسان‌ها از طبیعت گردیده و تراکم بیش از حد جمعیت، مداخله در سیستم‌های طبیعی و گسترش محیط‌های مصنوعی، نیازهای زیست‌محیطی و روانی انسان را بیش‌ازپیش آشکار کرده است (پوراحمد و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۹).

مدیریت شهری به‌منزله فرایندی نظام‌مند برای سازمان‌دهی عوامل، نیروها و منابع به‌منظور اداره امور شهری و پاسخ‌گویی به نیازهای ساکنان تعریف می‌شود و شامل کارکردهایی چون برنامه‌ریزی، اجرا، نظارت و کنترل است (رضویان، ۱۳۸۱: ۵۰). این نوع مدیریت علاوه بر مسئولیت در ایجاد توزیع عادلانه امکانات، با هدایت تحولات شهری، حفظ محیط‌زیست و ارتقای سلامت شهروندان، زیباسازی سیما و کالبد شهر، ایجاد فضاهای عمومی برای تعامل اجتماعی و بهبود کیفیت زیست شهری را نیز بر عهده دارد. در دهه‌های اخیر، مدیریت شهری در جهان دچار تحولات بنیادینی شده است؛ به‌گونه‌ای که شهرها بیش‌ازپیش به‌منظور تأمین رفاه و آسایش ساکنان خود مدیریت می‌شوند. مدیریت شهری دارای ساختاری گسترده است و نقش محوری در موفقیت برنامه‌ها و طرح‌های توسعه شهری و همچنین در پاسخ‌گویی به نیازهای جمعیتی، ساماندهی ترافیک و عبور و مرور، مسکن، کاربری زمین، تفریح، تأسیسات زیربنایی و دیگر فعالیت‌های حیاتی شهری ایفا می‌کند (شیعیه، ۱۳۸۶: ۴۷). تحقق مدیریت یکپارچه شهری که دربرگیرنده هماهنگی میان نهادهای مختلف و انسجام در تصمیم‌گیری‌هاست، مستلزم فراهم بودن شرایط سیاسی، اجتماعی و مدیریتی پایدار و بهره‌گیری از نیروی انسانی متخصص و توانمند است (صلاحی، ۱۳۸۳: ۱۰۳). کلان‌شهر تهران که متأثر از سیاست‌های تمرکزگرایانه در نظام مدیریتی-اداری کشور شکل گرفته، امروزه با تفرق عملکردی در قوانین، ناهماهنگی منافع اجتماعی، سیاسی، کالبدی، فضایی و اکولوژیک روبه‌رو است (رهنمایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴). در چنین بستری، اجرای مؤثر مدیریت یکپارچه شهری به معنای اتخاذ رویکردی جامع‌نگر و طراحی سازوکارهایی هماهنگ جهت هدایت و نظارت بر فرایندهای مدیریتی تلقی می‌شود.

تحقق این امر نیازمند شناسایی دقیق عوامل تأثیرگذار بر یکپارچگی و تفرق در نظام مدیریت شهری است (جودکی و قاسم‌پور، ۱۴۰۰: ۳).

مدیریت یکپارچه شهری و هماهنگی که محور اصلی آن نهاد شهرداری در تعامل با سازمان‌های دولتی، عمومی و محلی تحت سیاست‌گذاری شوراهای شهری است، الگوی کلیدی در پیشبرد مدیریت کارآمد شهری محسوب می‌شود. فقدان این هماهنگی نهادی و عملکردی، موجب کاستی در اثربخشی اقدامات و هدررفت منابع مالی و انسانی می‌شود. در همین راستا، جامع‌نگری فضایی و عملکردی مدیریت شهری در هدایت، کنترل و ساماندهی همه وجوه حیات شهری ضرورتی بنیادین دارد (میرمسنودی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۸). در این چارچوب، مدیریت زیست‌پذیری شهری به‌منزله فرایندی برای ایجاد و حفظ محیطی سالم، ایمن و مطلوب جهت ارتقای کیفیت زندگی شهروندان تعریف می‌شود. ناپایداری زیست‌محیطی ناشی از رفتارهای انسانی و ناهماهنگی در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای بر جنبه‌های گوناگون حیات شهری داشته باشد؛ از این‌رو، بهره‌گیری از رویکردهای نوین تحلیل، هماهنگی و تصمیم‌گیری یکپارچه در نظام مدیریت شهری ضرورتی انکارناپذیر است.

پژوهش حاضر با هدف تحلیل سازوکارهای مدیریت یکپارچه شهری در ارتقای زیست‌پذیری شهری انجام گرفته و منطقه ۳ شهر تهران را به‌عنوان مطالعه موردی مورد بررسی قرار می‌دهد. اگرچه در این کلان‌شهر اقداماتی متنوع در حوزه‌های حمل‌ونقل، توسعه بزرگراه‌ها، تونل‌ها و پل‌ها، گسترش فضای سبز و بهبود زیرساخت‌ها انجام شده است، اما همچنان معضلاتی نظیر آلودگی هوا، آب، خاک و صدا، تخریب زیستگاه‌های شهری و تهدید تنوع زیستی، کیفیت زندگی شهروندان را به‌شدت کاهش داده‌اند. یکی از علل اصلی تداوم این وضعیت، ناهماهنگی‌های ساختاری و مدیریتی میان دستگاه‌های مختلف مسئول در حوزه محیط‌زیست و خدمات شهری است؛ مسئله‌ای که ضرورت حرکت به‌سوی مدیریت یکپارچه و هماهنگی شهری را بیش‌ازپیش آشکار می‌سازد.

پیشینه پژوهش

در دهه‌های اخیر، مفهوم مدیریت یکپارچه شهری به‌عنوان یکی از الزامات حکمرانی مؤثر در محیط‌های شهری مطرح شده و در ادبیات برنامه‌ریزی شهری جایگاه ویژه‌ای یافته است. این رویکرد، با نگاهی کل‌نگر، در پی هماهنگی سطوح مختلف مدیریتی، نهادی و بخشی است تا از طریق تجمیع منابع، هم‌افزایی نهادی و کاهش دوباره‌کاری‌ها، به ارتقای کارایی و زیست‌پذیری شهری منجر شود. یکی از مهم‌ترین زمینه‌های کاربرد مدیریت یکپارچه شهری، مدیریت محیط‌زیست شهری است که شامل ابعاد گوناگونی از جمله مدیریت پسماند، کیفیت هوا و آب، حفاظت از خاک و رودخانه‌ها و سامان‌دهی فضاهای سبز شهری می‌شود. مطالعات متعددی تاکنون به موضوع کارکردهای مدیریت یکپارچه در محیط‌زیست شهری پرداخته‌اند؛ با این حال، بررسی‌ها نشان می‌دهد که

بخش عمده پژوهش‌ها در ایران بیشتر به بخش‌های خاصی از مدیریت شهری (مانند حمل‌ونقل، پسماند یا فضای سبز) محدود بوده و نگاهی جامع به سازوکارهای نهادی و مدیریتی مرتبط با ارتقای زیست‌پذیری کمتر مورد توجه قرار گرفته است. به‌ویژه در سطح منطقه ۳ شهر تهران که از حیث ویژگی‌های کالبدی، اقتصادی و اجتماعی یکی از مناطق کلیدی کلان‌شهر محسوب می‌شود، تاکنون مدل منسجمی برای تحلیل یکپارچگی مدیریت شهری در ارتقای زیست‌پذیری ارائه نشده است؛ در حالی که آثار پراکنده موجود بیشتر بر تحلیل بخشی از مسائل محیط‌زیستی تکیه داشته‌اند.

در حوزه مطالعات بین‌المللی، یانگ (۲۰۲۴) در مقاله‌ای با عنوان ساخت سیستم ارزیابی قابلیت زیست شهری با استفاده از تحلیل مؤلفه‌های اصلی و روش ارزش آنتروپی، چارچوبی نوین برای سنجش قابلیت زیست شهری تدوین کرده است. او با تلفیق شاخص‌های اقتصادی، فرهنگی، زیست‌محیطی، زیرساختی و رفاه اجتماعی، مدل ارزیابی قابل سنجشی ارائه می‌دهد که درک چندبعدی از زیست‌پذیری شهری را تقویت می‌کند. این مدل، پایه‌ای برای تحلیل ارتباط مدیریت یکپارچه و زیست‌پذیری در مطالعات بعدی فراهم ساخته است. همچنین، ماموجنوا و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان نقش فضاهای سبز در برنامه‌ریزی شهری در ارتقای پایداری و کیفیت زندگی، ضمن تأکید بر رشد جمعیت و روند سریع شهرنشینی، بر ضرورت اتخاذ رویکردهای توسعه شهری پایدار تأکید دارند. این مطالعه نشان می‌دهد که فضاهای سبز شهری — شامل پارک‌ها، باغ‌ها، جنگل‌های شهری و زیرساخت‌های سبز — نقش کلیدی در بهبود کیفیت محیط زیست شهری و ارتقای زیست‌پذیری شهرها دارند. یافته‌های آنان بر این نکته تأکید دارد که طراحی سیاست‌های یکپارچه برای توسعه فضای سبز، بخشی اساسی از راهبرد توسعه زیست‌پذیر است.

در مطالعه‌ای دیگر، ماریت و همکاران (۲۰۲۲) با مقاله‌ای تحت عنوان شهر هوشمند به‌عنوان نماد تلفیق شهرسازی و فناوری‌های دیجیتال، نشان دادند که پروژه‌های شهر هوشمند در کنار فرصت‌های فناورانه، می‌تواند زمینه ساز بی‌عدالتی‌های فضایی جدیدی شوند. آنان با رویکردی انتقادی، تأثیر ابتکارات شهر هوشمند بر بازسازی الگوهای فضایی و سیاست‌های شهری را بررسی کردند و خواستار اتخاذ مدیریت جامع برای جلوگیری از نابرابری شهری در فرآیندهای فناوری‌محور شدند. پژوهش آنان اهمیت هماهنگی بین حوزه‌های سیاستی مختلف (فناوری، عدالت اجتماعی و محیط‌زیست) را در مدیریت یکپارچه شهری پررنگ می‌سازد. پیرا (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان طبقه‌بندی جدید شاخص‌های شهر هوشمند پایدار، بر ضرورت ایجاد چارچوب یکپارچه‌ای برای توسعه شهر هوشمند تأکید می‌کند که ضمن تبعیت از اهداف توسعه پایدار، بتواند کیفیت زندگی را بهبود بخشیده و همزمان سرمایه‌ی اجتماعی، انسانی و زیست‌محیطی را حفظ نماید. نتایج این تحقیق، پیوند مستقیم میان توسعه فناوری، پایداری شهری و زیست‌پذیری را تأیید می‌کند. در راستای بررسی سازوکارهای مدیریتی، ژینگ شو و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان مدیریت هوشمند منابع انسانی در جامعه شهری تحت شرایط کنترل اپیدمی‌های

مستمر به ارزیابی نقش شبکه‌های اجتماعی و ساختارهای مدیریتی در ارتقای ظرفیت حکمرانی شهری در چین پرداختند. آنان معتقدند که ارتقای هماهنگی میان سطوح مختلف مدیریت شهری، از جمله جوامع محلی، نهادهای عمومی و شهرداری‌ها، در بهبود کارآمدی تصمیم‌گیری اجتماعی نقشی کلیدی دارد. این یافته‌ها به‌طور ضمنی اهمیت نقش مدیریت یکپارچه شهری در دوران بحران‌ها را نیز برجسته می‌کند.

در ایران نیز گرچه پژوهش‌هایی به بررسی ابعاد مختلف مدیریت شهری و زیست‌پذیری پرداخته‌اند، اما اغلب به مطالعه‌ی بخشی از موضوع مانند پسماند، حمل‌ونقل یا آلودگی محیط‌زیست محدود شده‌اند. به‌عنوان نمونه، برخی مطالعات به لزوم هماهنگی بین سازمان‌ها برای بهبود کیفیت محیط‌زیست اشاره کرده‌اند، اما به دنبال ارائه مدل تحلیلی سازوکارهای مدیریت یکپارچه نبوده‌اند. از این‌رو، می‌توان گفت خلأیی در تحلیل جامع سازوکارهای نهادی، سازمانی و مدیریتی مؤثر بر ارتقای زیست‌پذیری شهری در سطح مناطق تهران، به‌ویژه منطقه ۳، وجود دارد. بر این اساس، پژوهش حاضر با تمرکز بر تحلیل سازوکارهای مدیریت یکپارچه شهری و نقش آن‌ها در ارتقای زیست‌پذیری شهری در منطقه ۳ تهران، تلاش دارد تا ضمن بهره‌گیری از یافته‌های بین‌المللی، مدلی کاربردی برای بهبود هماهنگی میان نهادهای مدیریتی و ارتقای پایداری و کیفیت زندگی در محیط شهری ارائه دهد.

مبانی نظری پژوهش

مدیریت شهری یکی از شاخه‌های نسبتاً جدید دانش مدیریت به شمار می‌رود که همانند درختی با شاخه‌های گوناگون (مدیریت صنعتی، مالی، روستایی و غیره) در دهه‌های اخیر رشد یافته است. این مفهوم در ابتدا به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از حکومت محلی تلقی می‌شد و بخش عمده وظایف آن از طریق شهرداری‌ها تحقق می‌یافت. در کشورهای توسعه‌یافته، شهرداری به‌منزله شکل اصلی حکومت محلی و مسئول تأمین خدمات عمومی، زیباسازی، محیط‌زیست و رفاه اجتماعی شناخته می‌شود. از این‌رو، میان مفهوم مدیریت شهری و حکومت محلی رابطه‌ای بسیار نزدیک برقرار است که در تحلیل سازوکارهای برنامه‌ریزی شهری باید به‌دقت مورد توجه قرار گیرد.

به‌زعم مک‌گیل (۱۹۹۸)، برای تعریف کارآمد مدیریت شهری باید شناخت روشنی از «نیروی محرکه‌ی شهر» به‌دست آورد؛ به نحوی که میزان پیچیدگی سازمانی مدیریت شهری با پیچیدگی مسائل شهری هم‌راستا باشد و میان استراتژی کلان اعلام شده و توان عملیاتی موجود در دستگاه‌های شهری تطابق وجود داشته باشد. در همین راستا، شایبر جیما (۱۹۹۸) نیز بر این باور است که مهم‌ترین وظیفه مدیریت شهری، پاسخ‌گویی اثربخش به مشکلات شهری و تقویت ظرفیت سازمان‌های دولتی و سایر بازیگران شهری برای ایفای مؤثر نقش خود در فرآیند اداره شهر است. از دیدگاه برک‌پور (۲۰۰۹)، مدیریت شهری فرآیند ایجاد، اجرا، هماهنگی و ارزیابی استراتژی‌های یکپارچه است که به کمک مقامات شهری و با در نظر گرفتن اهداف عملیاتی بخش خصوصی و منافع شهروندان، در چارچوب سیاست‌های کلان توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی صورت می‌گیرد. بنابراین،

مدیریت شهری نه تنها فعالیتی اداری برای اداره شهر بلکه نوعی نظام حکمرانی چندسطحی است که باید میان چارچوب سیاستی کلان و اجرای عملی در سطح شهری هماهنگی برقرار کند.

مدیریت یکپارچه شهری در این میان، به عنوان یک تحول مفهومی و روشی در حکمرانی شهری مطرح است. هدف آن، ایجاد هم‌افزایی در بین نهادهای متعدد، هماهنگی میان سیاست‌ها و حذف تداخل و وظایف در ساختار اداره شهر است. به باور اصلانی (۲۰۲۲)، ناهماهنگی بین سازمان‌ها و نهادهای ذی‌نفوذ از جمله مهم‌ترین عوامل بروز ناکارآمدی در مدیریت شهری است. لی (۲۰۲۳) نیز مدیریت شهری را فراتر از ساختارهای رسمی دانسته و آن را به منزله شبکه‌ای از نهادهای ذی‌ربط و روابط تعاملی آن‌ها تفسیر می‌کند. در همین راستا، زو (۲۰۲۴) «حکمرانی شایسته شهری» را به عنوان بُعدی مکمل معرفی می‌کند که با تقویت مشارکت، پاسخ‌گویی و عدالت فضایی می‌تواند به تحقق کارایی و پایداری در مدیریت یکپارچه شهری کمک کند. در مبانی نظری نوین، مدیریت شهری زمانی اثربخش تلقی می‌شود که علاوه بر برقراری نظم و پاسخ‌گویی فنی، بتواند زمینه زیست‌پذیری را در محیط شهری فراهم آورد. زیست‌پذیری شهری مفهومی میان‌رشته‌ای است که مجموعه‌ای از مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی را در بر می‌گیرد و مستقیماً به کیفیت زندگی شهری پیوند دارد. زیست‌پذیری در کنار پایداری به عنوان یکی از اصول بنیادین در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری مدرن شناخته می‌شود و در کشورهای توسعه‌یافته چارچوبی کلان برای ارزیابی عملکرد مدیریت شهری محسوب می‌گردد (سلیمانی مهرنجانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱).

به‌زعم تروث‌بی (۲۰۲۵)، زیست‌پذیری مجموعه ویژگی‌هایی است که شهر را به مکانی مطلوب و جذاب برای زندگی بدل می‌سازد و از دو جنبه‌ی ملموس (نظیر دسترسی به زیرساخت‌ها، حمل‌ونقل عمومی و خدمات شهری) و ناملموس (نظیر حس مکان، هویت شهری و تعلق اجتماعی) قابل تحلیل است. مک‌کرا و همکاران (۲۰۱۲) زیست‌پذیری را بخشی از کیفیت کلی زندگی ساکنان شهری می‌دانند که رضایت آن‌ها از شرایط انسانی و فیزیکی پیرامون را در بر می‌گیرد. در همین راستا، شیخ (۲۰۲۲) زیست‌پذیری را به عنوان برداشت ذهنی و عینی از رضایت‌مندی افراد نسبت به محیط پیرامونی تعریف کرده است. همچنین، پل (۲۰۲۴) بیان می‌کند که ارتقای زیست‌پذیری شهری از طریق افزایش کیفیت فضاهای شهری و خدمات عمومی، نقش مستقیمی در جذب سرمایه‌های انسانی و اقتصادی و در نتیجه ارتقای رشد و نوآوری شهری دارد. بر اساس ادبیات نظری موجود، ارتباطی مستقیم و دوسویه میان مدیریت یکپارچه شهری و زیست‌پذیری وجود دارد. مدیریت یکپارچه می‌تواند از طریق بهبود هماهنگی نهادی، برنامه‌ریزی پایدار، کارکرد مؤثر زیرساخت‌ها و ارتقای خدمات شهری، بر شاخص‌های زیست‌پذیری از جمله سلامت محیط‌زیست، عدالت اجتماعی، امنیت، دسترسی، هویت و رضایت شهروندان اثرگذار باشد. در مقابل، افزایش سطح زیست‌پذیری، خود به مشروعیت و کارآمدی بیشتر نظام مدیریت شهری منجر می‌شود. بنابراین، در چارچوب نظری این پژوهش، مدیریت یکپارچه شهری به عنوان سازوکاری

نهادی برای ارتقای هماهنگی بین‌بخشی در خدمات و سیاست‌های شهری در نظر گرفته شده و زیست‌پذیری شهری خروجی چندبعدی این فرایند است که از تعامل میان سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و کالبدی ناشی می‌شود. تحلیل این رابطه، محور اصلی پژوهش حاضر را شکل می‌دهد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت و هدف، توصیفی-تحلیلی است و با رویکردی ترکیبی از مطالعات اسنادی و داده‌های میدانی انجام گرفته است. در مرحله نخست، برای تبیین چارچوب نظری و شناسایی مؤلفه‌های مرتبط با مدیریت یکپارچه شهری و زیست‌پذیری، از روش کتابخانه‌ای و اسنادی بهره گرفته شد. در این مرحله، متون علمی، گزارش‌های رسمی و نتایج پژوهش‌های پیشین بررسی گردید تا مبانی مفهومی و شاخص‌های اصلی متغیرها استخراج شود. در مرحله دوم، به منظور تحلیل تجربی و شناخت وضعیت موجود در منطقه ۳ شهر تهران، از روش پیمایشی و میدانی استفاده شد. داده‌های میدانی از طریق پرسشنامه‌های ساختاریافته گردآوری گردید که پرسش‌های آن بر پایه ابعاد نظری مدل تحقیق طراحی شده بود. گردآوری داده‌ها در میان گروهی از کارشناسان شهری، مدیران مربوطه و خبرگان حوزه مدیریت شهری انجام شد تا ادراک تخصصی و ارزیابی آنان از عملکرد مدیریت یکپارچه و سطح زیست‌پذیری منطقه مورد بررسی قرار گیرد. در بخش تحلیلی، ابتدا توصیف آماری داده‌ها با استفاده از شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی انجام شد تا تصویری از وضعیت موجود متغیرها ارائه گردد. سپس برای آزمون ارتباط و تأثیر میان متغیرها، از روش‌های آماری تحلیلی همبستگی و رگرسیونی استفاده شد. این تحلیل‌ها به بررسی میزان و نوع اثرگذاری مدیریت یکپارچه شهری بر ارتقای شاخص‌های زیست‌پذیری شهری کمک می‌کند. متغیرهای پژوهش به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

متغیر مستقل: مدیریت یکپارچه شهری؛ شامل مؤلفه‌هایی چون هماهنگی نهادی، پاسخ‌گویی، مشارکت، کارایی و انسجام سیاستی.

متغیر وابسته: زیست‌پذیری شهری؛ مشتمل بر چهار بُعد اصلی اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و کالبدی. در مجموع، ترکیب روش توصیفی و تحلیلی در این پژوهش این امکان را فراهم ساخته است تا ضمن ترسیم وضعیت واقعی منطقه مورد مطالعه، روابط علی و همبستگی بین شاخص‌های مدیریت یکپارچه و ابعاد زیست‌پذیری شهری با دقت علمی مورد سنجش قرار گیرد.

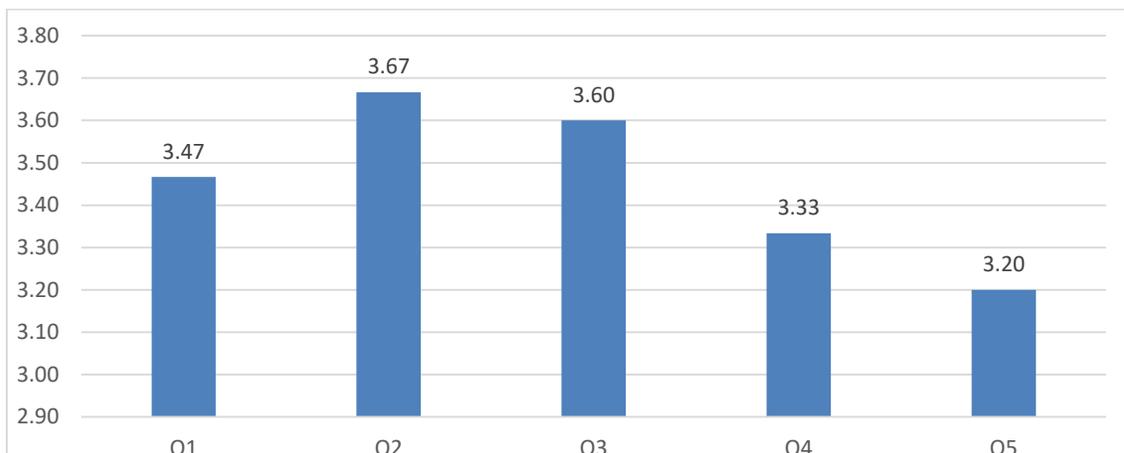
یافته‌های پژوهش

به منظور تحلیل نظام‌مند سازوکارهای مدیریت یکپارچه شهری در منطقه ۳ شهر تهران، از روش تحلیل SWOT بهره گرفته شد. داده‌های لازم از طریق پرسشنامه و مصاحبه با ۱۵ نفر از خبرگان حوزه مدیریت شهری گردآوری

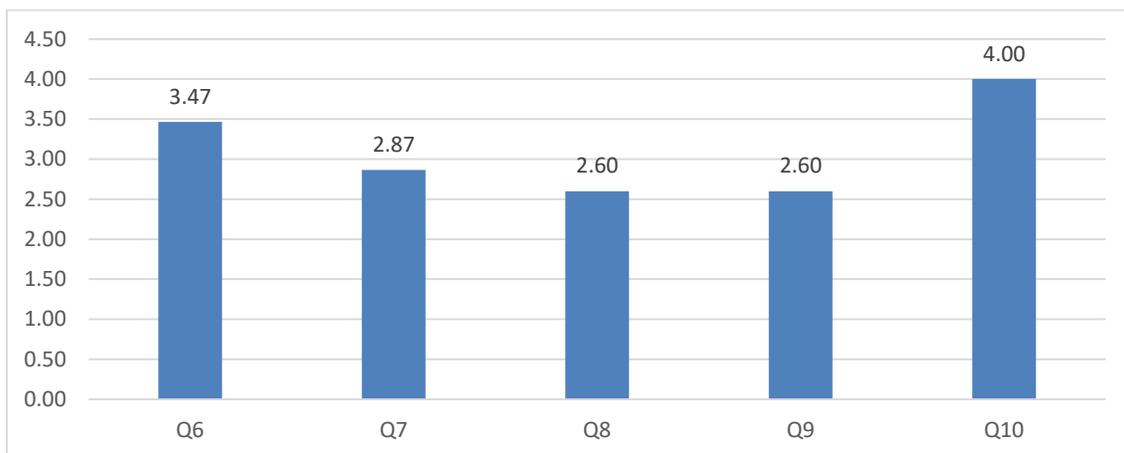
گردید. پس از ترکیب و تحلیل پاسخ‌ها، مجموعه‌ای از پنج عامل قوت، پنج عامل ضعف، پنج فرصت و پنج تهدید استخراج شد که نتایج تفصیلی آن در جدول (۱) ارائه شده است. این عوامل چارچوبی تحلیلی برای شناخت مؤلفه‌های تأثیرگذار در ارتقای زیست‌پذیری شهری از منظر مدیریت یکپارچه محسوب می‌شوند.

جدول ۱. ماتریس SWOT عوامل مؤثر بر ارتقای زیست‌پذیری شهری در منطقه ۳ تهران

هماهنگی بین دستگاه‌های مدیریتی منطقه ۳ در راستای کمک به بهبود زیست‌پذیری	Q ₁	نقاط قوت
دسترسی شهروندان منطقه به خدمات شهری (حمل‌ونقل عمومی، خدمات بهداشتی-درمانی، خدمات آموزشی و ...)	Q ₂	
وضعیت امکانات زیست‌محیطی (فضاهای سبز و پارک‌ها) مناسب	Q ₃	
تجربه و تخصص مدیران شهری منطقه ۳ در جهت کمک به اجرای مدیریت یکپارچه	Q ₄	
تطابق برنامه‌ریزی‌های شهری منطقه ۳ مطابق با اصول توسعه پایدار	Q ₅	
نبود همکاری بین بخشی در منطقه ۳ باعث اختلال در مدیریت یکپارچه شده است.	Q ₆	نقاط ضعف
کمبود بودجه در منطقه ۳ مانعی برای اجرای برنامه‌های بهبود زیست‌پذیری بوده است.	Q ₇	
نابرابری در توزیع خدمات شهری بین محلات منطقه ۳	Q ₈	
ضعف در زیرساخت‌های فناوری (مانند سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی) در مدیریت منطقه تأثیر منفی گذاشته است.	Q ₉	
مشکلات زیست‌محیطی مانند آلودگی هوا و آلودگی صوتی در منطقه ۳	Q ₁₀	فرصت‌ها
فرصت استفاده از فناوری‌های هوشمند مانند اینترنت اشیا و GIS برای مدیریت منطقه ۳	Q ₁₁	
پتانسیل افزایش مشارکت شهروندان در فرآیند تصمیم‌گیری شهری در منطقه ۳ وجود دارد.	Q ₁₂	
همکاری با سازمان‌های غیردولتی و دانشگاه‌ها در جهت بهبود مدیریت و زیست‌پذیری منطقه	Q ₁₃	
امکان جذب سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی در پروژه‌های شهری منطقه ۳ وجود دارد.	Q ₁₄	
برنامه‌های کلان شهری تهران می‌توانند به حل مسائل منطقه ۳ کمک کنند.	Q ₁₅	
مشکلاتی مانند رشد جمعیت و تراکم بالای ساختمانی مدیریت منطقه ۳ را دشوار کرده است.	Q ₁₆	تهدیدها
بحران‌هایی مانند آلودگی هوا یا ترافیک در منطقه ۳ تهدیدی برای زیست‌پذیری محسوب می‌شوند.	Q ₁₇	
ضعف در هماهنگی بین دستگاه‌های کلان شهری (مانند شهرداری، محیط زیست، پلیس راهور) مانعی برای مدیریت یکپارچه شهری است.	Q ₁₈	
تغییرات اقلیمی و به تبع آن افزایش دما تهدیدی جدی برای زیست‌پذیری منطقه است.	Q ₁₉	
نبود قوانین مشخص و ضعف در اجرای قوانین، مانعی برای بهبود مدیریت یکپارچه منطقه است.	Q ₂₀	



شکل ۱. میانگین امتیاز نقاط قوت مدیریت یکپارچه و زیست‌پذیری در منطقه ۳ شهر تهران



شکل ۲. میانگین امتیاز تهدیدهای مدیریت یکپارچه و زیست‌پذیری در منطقه ۳ شهر تهران

تحلیل SWOT منطقه ۳ شهر تهران بر اساس میانگین امتیازات

در راستای ارزیابی راهبردی سازوکارهای مدیریت یکپارچه شهری در منطقه ۳ شهر تهران، تحلیل SWOT بر مبنای میانگین امتیازات به‌دست‌آمده از داده‌های میدانی و نظرات خبرگان انجام شد. هدف از این تحلیل، تعیین اولویت نسبی عوامل درونی و بیرونی تأثیرگذار بر زیست‌پذیری شهری و ارائه مبنایی برای تدوین راهبردهای مدیریتی آینده بود. داده‌های خلاصه‌شده در جدول (۲) مبنای این تحلیل هستند.

جدول ۲. SWOT منطقه ۳ تهران بر اساس میانگین امتیازات

امتیاز	نقاط ضعف	امتیاز	نقاط قوت
۵۲	نبود همکاری بین بخشی در منطقه ۳ باعث اختلال در مدیریت یکپارچه شده است.	۵۲	هماهنگی بین دستگاه های مدیریتی منطقه ۳ در راستای کمک به بهبود زیست پذیری
۴۳	کمبود بودجه در منطقه ۳ مانعی برای اجرای برنامه های بهبود زیست پذیری بوده است.	۵۵	دسترسی شهروندان منطقه به خدمات شهری (حمل و نقل عمومی، خدمات بهداشتی- درمانی، خدمات آموزشی و ...)
۳۹	نابرابری در توزیع خدمات شهری بین محلات منطقه ۳	۵۴	و وضعیت امکانات زیست محیطی (فضاهای سبز و پارک ها) مناسب
۳۹	ضعف در زیرساخت های فناوری (مانند سیستم های اطلاعات جغرافیایی) در مدیریت منطقه تأثیر منفی گذاشته است.	۵۰	تجربه و تخصص مدیران شهری منطقه ۳ در جهت کمک به اجرای مدیریت یکپارچه
۶۰	مشکلات زیست محیطی مانند آلودگی هوا و آلودگی صوتی در منطقه ۳	۴۸	تطابق برنامه ریزی های شهری منطقه ۳ مطابق با اصول توسعه پایدار
امتیاز	تهدیدها	امتیاز	فرصت ها
۶۱	مشکلاتی مانند رشد جمعیت و تراکم بالای ساختمانی مدیریت منطقه ۳ را دشوار کرده است.	۵۹	فرصت استفاده از فناوری های هوشمند (مانند اینترنت اشیا و GIS) برای مدیریت منطقه ۳
۶۲	بحران هایی مانند آلودگی هوا یا ترافیک در منطقه ۳ تهدیدی برای زیست پذیری محسوب می شوند	۵۷	پتانسیل افزایش مشارکت شهروندان در فرآیند تصمیم گیری شهری در منطقه ۳ وجود دارد
۵۴	ضعف در هماهنگی بین دستگاه های کلان شهری (مانند شهرداری، محیط زیست، پلیس راهور) مانعی برای مدیریت یکپارچه شهری است	۵۸	همکاری با سازمان های غیردولتی و دانشگاه ها در جهت بهبود مدیریت و زیست پذیری منطقه
۵۶	تغییرات اقلیمی و به تبع آن افزایش دما تهدیدی جدی برای زیست پذیری منطقه است	۵۴	امکان جذب سرمایه گذاری های بخش خصوصی در پروژه های شهری منطقه ۳ وجود دارد
۶۱	نبود قوانین مشخص و ضعف در اجرای قوانین، مانعی برای بهبود مدیریت یکپارچه منطقه است	۵۷	برنامه های کلان شهری تهران می توانند به حل مسائل منطقه ۳ کمک کنند

نقاط قوت

۱. دسترسی گسترده شهروندان به خدمات شهری (امتیاز ۵۵)

این شاخص با بالاترین میانگین، به عنوان مؤثرترین نقطه قوت منطقه شنا سایی شد. دسترسی مؤثر به خدمات شهری شامل حمل و نقل عمومی، خدمات بهداشتی، آموزشی و تفریحی، نقشی محوری در ارتقای زیست پذیری دارد و قدرت تاب آوری اجتماعی منطقه را افزایش می دهد. این ویژگی بیانگر توزیع مناسب زیر ساخت ها و تنوع عملکردی فضاهای شهری است که به طور غیرمستقیم حس رضایت و تعلق شهروندان را نیز تقویت می کند.

۲. کیفیت مناسب فضاهای سبز و امکانات زیست‌محیطی (امتیاز ۵۴)

فضاهای سبز شهری با ایفای نقشی دوگانه- زیبایی‌شناختی و کارکردی- به بهبود سلامت روان و جسم شهروندان یاری می‌رسانند. وجود پارک‌ها و فضاهای باز نه تنها بر کیفیت زیست‌محیطی اثرگذار است بلکه ظرفیت تعاملات اجتماعی و تحرک شهری را نیز افزایش می‌دهد.

۳. هماهنگی نسبی میان دستگاه‌های مدیریتی منطقه (امتیاز ۵۲)

این عامل بازتاب‌دهنده پیشرفت در هم‌افزایی سازمانی و هماهنگی بین نهادهای خدماتی و عمرانی است که پیش شرط اثربخشی «مدیریت یکپارچه» در مقیاس شهری محسوب می‌شود.

۴. تجربه و تخصص مدیران شهری (امتیاز ۵۰)

برخورداری مدیران از دانش تخصصی و تجربه اجرایی، توان مدیریت پروژه‌ها را بالا برده و اجرای سیاست‌های توسعه پایدار را تسهیل می‌کند. این توان مدیریتی بستر لازم برای طراحی راهبردهای نوآورانه و هماهنگی میان‌بخشی را فراهم آورده است.

۵. توجه نسبی به اصول توسعه پایدار در طرح‌های شهری (امتیاز ۴۸)

گرچه امتیاز این شاخص کمتر است، نشان‌دهنده آگاهی مدیریتی نسبت به لزوم تحقق پایداری محیطی، اقتصادی و اجتماعی در سطح منطقه است؛ اما نیاز به تقویت پیوند عملی میان طرح‌ها و راهبردهای زیست‌پذیری احساس می‌شود.

جمع‌بندی نقاط قوت: تمرکز نقاط قوت منطقه عمدتاً بر دسترسی به خدمات، کیفیت محیطی و هماهنگی سازمانی است؛ عواملی که در کنار تقویت ظرفیت مدیریتی، می‌توانند مبنای طراحی سیاست‌های بهبود زیست‌پذیری باشند.

نقاط ضعف

۱. مشکلات زیست‌محیطی (آلودگی هوا و آلودگی صوتی) (امتیاز ۶۰)

این عامل اصلی‌ترین ضعف منطقه است و بیانگر فشار مضاعف شهری است که ناشی از تراکم ترافیکی، فرسودگی ناوگان حمل‌ونقل و کمبود فضاهای جذب‌کننده آلودگی است. چنین وضعیتی کیفیت زندگی را مستقیماً تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۲. فقدان همکاری بین‌بخشی (امتیاز ۵۲)

نبود سازوکار نهادینه شده برای هماهنگی میان سازمان‌ها موجب جزیره‌ای عمل کردن نهادها شده است. پیامد آن تأخیر در تصمیم‌گیری و تضاد در اجرای سیاست‌های زیست‌پذیری است.

۳. کمبود بودجه برای اجرای طرح‌های بهبود زیست‌پذیری (امتیاز ۴۳)

محدودیت منابع مالی، به‌ویژه در بخش‌های زیست‌محیطی و هوشمندسازی خدمات، ظرفیت اجرای طرح‌های مؤثر را کاهش داده است.

۴. نابرابری در توزیع خدمات شهری بین محلات (امتیاز ۳۹)

تمرکز خدمات در بخش‌های خاصی از منطقه سبب نابرابری فضایی - اجتماعی شده و موجب شکاف کیفیت زندگی میان محلات مختلف گشته است.

۵. ضعف در زیرساخت‌های فناوری شهری (مانند GIS) (امتیاز ۳۹)

نبود سامانه‌های اطلاعات مکانی به‌روز، مانع نظارت، ارزیابی و برنامه‌ریزی دقیق در سطح محلات است. جمع‌بندی نقاط ضعف: چالش‌های زیست‌محیطی، ضعف همکاری نهادی و نابرابری خدماتی از موانع جدی در مسیر مدیریت یکپارچه شهری هستند. اصلاح ساختار میان‌بخشی و تأمین منابع مالی پایدار الزامی است.

فرصت‌ها

۱. به‌کارگیری فناوری‌های هوشمند شهری (امتیاز ۵۹)

توسعه سامانه‌های هوشمند در حوزه حمل‌ونقل، کنترل آلودگی و خدمات الکترونیک شهری، ظرفیت تبدیل منطقه به یک «واحد مدیریت هوشمند» را فراهم می‌سازد.

۲. ایجاد همکاری با دانشگاه‌ها و سازمان‌های غیردولتی (امتیاز ۵۸)

این عامل فرصتی است برای پیوند بین دانش و اجرا. ورود نهادهای دانش‌گامی و مدنی می‌تواند کیفیت تصمیم‌سازی و شفافیت مدیریتی را افزایش دهد.

۳. افزایش مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری (امتیاز ۵۷)

ارتقای کانال‌های مشارکت مردمی به افزایش پاسخگویی و پذیرش اجتماعی سیاست‌های شهری می‌انجامد.

۴. هماهنگی با برنامه‌های کلان شهر تهران (امتیاز ۵۷)

هم‌راستسازی سیاست‌های منطقه با برنامه‌های توسعه‌ای شهر، امکان هم‌افزایی منابع و کاهش تعارضات اجرایی را فراهم می‌آورد.

۵. جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی (امتیاز ۵۴)

توسعه مدل‌های مشارکت عمومی - خصوصی یکی از کلیدی‌ترین مسیرها برای تأمین مالی پایدار در پروژه‌های شهری است.

جمع‌بندی فرصت‌ها: ترکیب فناوری‌های هوشمند، مشارکت شهروندان و همکاری علمی، ظرفیت‌های لازم برای ایجاد «اکوسیستم نوآورانه مدیریت شهری» را در منطقه ۳ فراهم می‌آورد.

تهدیدها

۱. بحران آلودگی هوا و ترافیک (امتیاز ۶۲)

این مسئله، جدی‌ترین تهدید برای پایداری محیطی منطقه و سلامت شهروندان است.

۲. رشد سریع جمعیت و تراکم ساختمانی (امتیاز ۶۱)

فشار ناشی از رشد کالبدی شهر، افزایش تقاضای خدمات و تضعیف کیفیت محیط سکونت را به دنبال دارد.

۳. ضعف در قوانین و اجرای مقررات (امتیاز ۶۱)

ناکارآمدی نظام کنترل ساخت‌وساز و نظارت‌های شهری موجب بروز فعالیت‌های غیرمنطبق با طرح‌های توسعه‌ای شده است.

۴. تغییرات اقلیمی و افزایش دما (امتیاز ۵۶)

این تهدید میان‌مدت تأثیری مستقیم بر الگوهای مصرف انرژی و سلامت شهروندان دارد و نیازمند راهبردهای سازگاری اقلیمی است.

۵. فقدان هماهنگی میان دستگاه‌های کلان شهری (امتیاز ۵۴)

نبود سیاست‌گذاری واحد در سطوح بالادستی، انسجام مدیریتی منطقه را تضعیف می‌کند.

جمع‌بندی تهدیدها: تهدیدهای غالب، جنبه محیطی و ساختاری دارند و نیازمند سیاست‌های یکپارچه «مدیریت ریسک شهری» شامل کنش پیشگیرانه، کاهش آسیب و سازگاری اقلیمی‌اند.

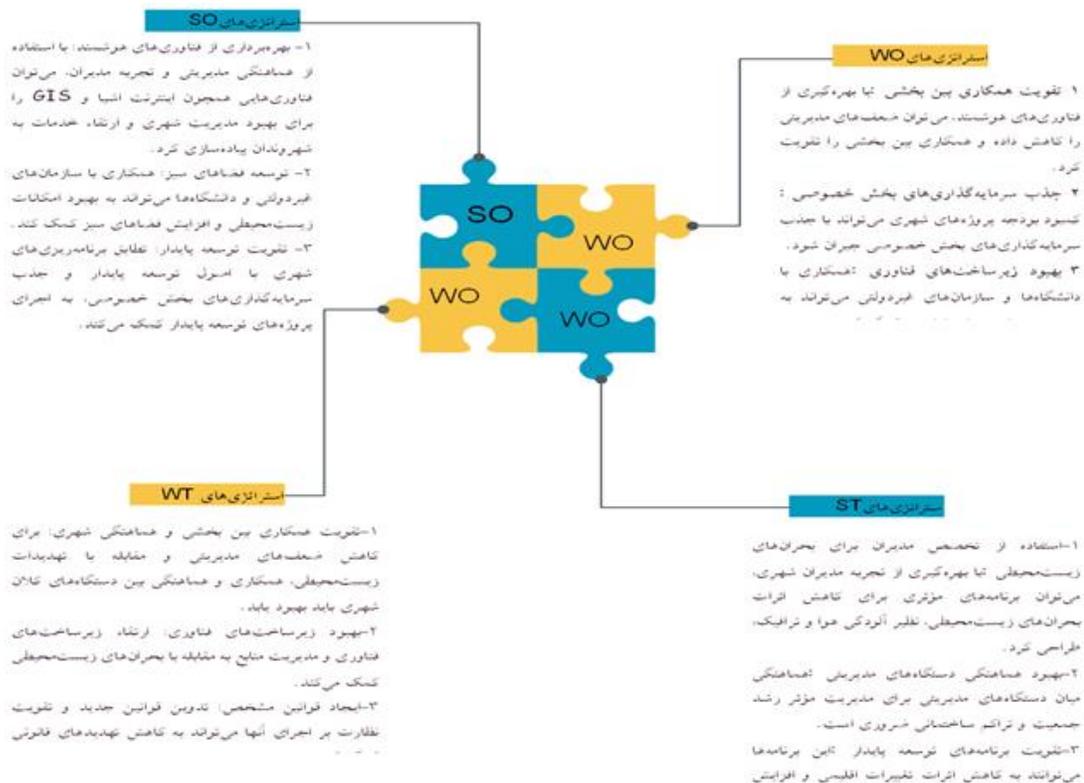
جمع‌بندی کلی تحلیل SWOT

نتایج پژوهش حاکی از آن است که مهم‌ترین ضعف‌ها و تهدیدها در حوزه زیست‌محیطی و نهادی متمرکز هستند، درحالی‌که قوت‌ها و فرصت‌ها بیشتر به حوزه خدمات شهری، فناوری و سرمایه انسانی تعلق دارند. از این رو، اتخاذ راهبرد **SO/WO** (یعنی استفاده از فرصت‌ها برای رفع ضعف‌ها) می‌تواند اثربخش‌ترین مسیر برای بهبود زیست‌پذیری منطقه باشد. به‌طور خاص، تمرکز بر هوشمندسازی، افزایش مشارکت شهروندان و تقویت همکاری

بین‌بخشی می‌تواند ضمن کاهش آسیب‌های محیطی، پایداری و کیفیت زیست شهری در منطقه ۳ تهران را به‌طور چشمگیر ارتقا بخشد.

استراتژی‌های پیشنهادی مبتنی بر تحلیل SWOT

در راستای تحلیل SWOT منطقه ۳ شهر تهران و با هدف ارتقای زیست‌پذیری شهری از طریق تقویت مدیریت یکپارچه، راهبردها در چهار گروه اصلی تدوین شده‌اند. این راهبردها با در نظر گرفتن ارتباط متقابل بین نقاط قوت و فرصت‌ها، ضعف‌ها و تهدیدها، زمینه‌ساز تدوین سیاست‌های اجرایی مؤثر در سطوح مختلف مدیریت شهری هستند.



شکل ۳. استراتژی‌های مدیریت یکپارچه و زیست‌پذیری در منطقه ۳

استراتژی‌های SO (بهره‌برداری از نقاط قوت برای استفاده از فرصت‌ها) در این دسته از راهبردها، تمرکز بر استفاده حداکثری از ظرفیت‌های مدیریتی، محیطی و فنی موجود منطقه برای فعال‌سازی فرصت‌های بیرونی چون جذب سرمایه‌گذاری، همکاری‌های نهادی و فناوری‌های نوین است.

۱. بهره‌گیری از دسترسی به خدمات شهری و تجربه مدیران جهت توسعه فناوری‌های هوشمند

با اتکا بر دسترسی گسترده شهروندان به خدمات شهری و تجربه و هماهنگی مدیریتی موجود، می‌توان فناوری‌های هوشمندی نظیر *اینترنت اشیا*، *GIS* و سامانه‌های کنترل شهری هوشمند را برای بهینه‌سازی تصمیم‌گیری‌های مدیریتی، کاهش هزینه‌ها و ارتقای کیفیت خدمات شهری به کار گرفت. این راهبرد، ستون فقرات حرکت به سمت «شهر هوشمند منطقه‌ای» است.

۲. توسعه فضاهای سبز با همکاری سازمان‌های غیردولتی و دانشگاه‌ها

وضعیت مطلوب امکانات زیست‌محیطی منطقه، بستری مناسب برای گسترش شبکه فضاهای سبز است. از طریق تعامل با دانشگاه‌ها (در حوزه طراحی شهری و اکولوژی شهری) و سازمان‌های مردم‌نهاد (در حوزه مشارکت اجتماعی)، می‌توان پروژه‌های احیای پارک‌های محلی و توسعه باغ‌های شهری را عملی کرد.

۳. تقویت برنامه‌های توسعه پایدار از طریق جذب سرمایه‌گذاری خصوصی

هم‌سویی نسبی برنامه‌ریزی شهری منطقه با اصول توسعه پایدار، فرصتی برای مشارکت بخش خصوصی در طرح‌های انرژی پاک، بازآفرینی شهری و حمل‌ونقل پایدار فراهم می‌کند. این سیاست‌ها علاوه بر رشد اقتصادی، منجر به تقویت زیرساخت‌های پایدار و افزایش زیست‌پذیری خواهند شد.

جمع‌بندی SO: راهبردهای این گروه، تلفیقی از قابلیت‌های مدیریتی - محیطی با فناوری و سرمایه‌گذاری هستند و هدف آن‌ها گذار از مدیریت سنتی به مدیریت هوشمند و مشارکتی است.

استراتژی‌های WO (کاهش نقاط ضعف از طریق بهره‌برداری از فرصت‌ها)

این راهبردها بر آن‌اند تا از امکانات فناورانه و اجتماعی بیرون از ساختار کنونی برای رفع کاستی‌های نهادی و مالی درون منطقه استفاده کنند.

۱. بهبود همکاری بین‌بخشی با بهره‌گیری از فناوری‌های هوشمند

فناوری‌های اطلاعاتی، نظیر سامانه‌های داده‌محور و داشبوردهای مدیریتی، می‌توانند به ابزار مشترک تصمیم‌گیری میان سازمان‌های مختلف تبدیل شوند و مشکل ضعف همکاری میان‌بخشی را تا حد زیادی برطرف کنند.

۲. جبران کمبود بودجه از طریق جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی

استفاده از الگوهای سرمایه‌گذاری مشترک می‌تواند منابع مالی جدیدی را برای اجرای طرح‌های زیست‌محیطی، نوسازی زیرساخت‌ها و مدیریت پسماند فراهم کند.

۳. بهبود زیرساخت‌های فناوری با همکاری دانشگاه‌ها و سازمان‌های غیردولتی

اتصال مدیریت منطقه با نهادهای علمی می‌تواند زمینه آموزش نیروی انسانی، انتقال دانش نو و ارتقای سطح فناوری‌های مکانی و اطلاعاتی (نظیر *GIS* و *BIM*) را فراهم آورد.

جمع‌بندی WO: این راهبردها بر «هم‌افزایی فرصت‌های فناورانه و سرمایه‌ای با ضعف‌های نهادی» متمرکزند و نقشه‌ای برای اصلاح تدریجی ساختار مدیریتی از درون ارائه می‌کنند.

استراتژی‌های **ST** (بهره‌برداری از نقاط قوت برای مقابله با تهدیدها) در این دسته، از ظرفیت‌های دانشی و سازمانی منطقه برای کاهش اثرات تهدیدات بیرونی همچون آلودگی، تراکم جمعیت و مخاطرات اقلیمی استفاده می‌شود.

۱. به‌کارگیری تخصص مدیران در مدیریت بحران‌های زیست‌محیطی

تجربه مدیران منطقه می‌تواند برای طراحی سناریوهای واکنش سریع در مواجهه با بحران‌هایی نظیر آلودگی هوا، ترافیک و کمبود فضاها باز به کار گرفته شود. ایجاد «ستاد مدیریت بحران محلی» با محوریت مدیران مجرب، شاخص اجرایی این راهبرد است.

۲. افزایش هماهنگی بین دستگاه‌های مدیریتی برای مهار رشد جمعیت و تراکم ساختمانی

با استفاده از هماهنگی نهادی موجود، می‌توان در قالب طرح‌های محدودکننده تراکم ساختمانی، برنامه‌های انتقال کاربری و بازتنظیم جمعیت در مقیاس محلی اقدام کرد.

۳. تقویت برنامه‌های توسعه پایدار برای مقابله با تغییرات اقلیمی

ارتقای بهره‌وری انرژی، ترویج حمل‌ونقل پاک و استفاده از مصالح زیست‌دوست در پروژه‌های عمرانی می‌تواند اثرات مستقیم گرمایش شهری را کاهش دهد.

جمع‌بندی ST: این دسته از راهبردها بر استفاده از ظرفیت‌های درونی قوی برای مقابله با بحران‌های محیطی و جمعیتی متمرکز است و محور آن «مدیریت پیش‌دستانه» به‌جای واکنش پس‌وقوع است.

استراتژی‌های WT (کاهش نقاط ضعف و اجتناب از تهدیدها)

این گروه از راهبردها بر مدیریت ریسک، بازسازی ساختارها و تقویت نظام حکمرانی برای جلوگیری از تشدید تهدیدات تمرکز دارند.

۱. توسعه همکاری بین‌بخشی و هماهنگی با دستگاه‌های کلان شهری

تقویت نظام هماهنگی میان منطقه و سطوح بالادستی شهرداری و وزارتخانه‌ها، موجب انسجام عملکردی در زمان بحران و کاهش تداخل وظایف خواهد شد.

۲. ارتقای زیرساخت‌های فناوری و بهینه‌سازی مدیریت منابع برای کنترل تهدیدات زیست‌محیطی

با استقرار سامانه‌های هوشمند پایش کیفیت هوا و مصرف انرژی و نیز مدیریت بهینه آب‌های سطحی، می‌توان ریسک بحران‌های محیطی را به میزان قابل‌توجهی کاهش داد.

۳. تدوین و اجرای قوانین مشخص و نظارت مؤثر بر اجرای آنها

بازنگری در مقررات شهری، تدوین دستورالعمل‌های الزام‌آور و نظارت بر اجرای آنها، ابزار کلیدی برای پیشگیری از بروز تعارضات قانونی و ساختاری در آینده است.

جمع‌بندی WT: راهبردهای گروه WT بیشتر جنبه کنترلی و اصلاحی دارند و هدف آنها کاهش آسیب‌پذیری ساختاری در برابر تهدیدهای زیست‌محیطی، قانونی و مدیریتی است.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که استقرار نظام مدیریت یکپارچه شهری در منطقه ۳ شهر تهران با وجود ضرورت و اهمیت آن برای ارتقای زیست‌پذیری، با مجموعه‌ای از موانع درونی و تهدیدهای بیرونی روبه‌رو است که تحقق اهداف توسعه پایدار شهری را محدود می‌سازد. مهم‌ترین مانع شناسایی شده، فقدان همکاری و هماهنگی بین‌بخشی میان دستگاه‌ها و نهادهای متعدد شهری است؛ مسئله‌ای که منجر به تداخل وظایف، پراکندگی در تصمیم‌گیری و کاهش اثربخشی برنامه‌های شهری شده است. این ضعف ساختاری در کنار کمبود منابع مالی و بودجه‌ای، روند اجرای برنامه‌های زیست‌محیطی و توسعه زیرساخت‌های اساسی را کند کرده و موجب ناپایداری در کیفیت خدمات شهری گردیده است. به‌علاوه، نابرابری در توزیع خدمات شهری میان محلات، ضعف سامانه‌های داده و فناوری اطلاعات شهری (از جمله سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی) و محدودیت در دسترسی به داده‌های به‌روز، از دیگر چالش‌های داخلی است که مانع شکل‌گیری برنامه‌ریزی جامع و مبتنی بر شواهد می‌شود. در سطح بیرونی، چالش‌های زیست‌محیطی نظیر آلودگی هوا، ترافیک شدید، رشد جمعیت و تراکم ساختمانی بالا نیز فشار مضاعفی بر ظرفیت مدیریتی منطقه وارد کرده‌اند. این تهدیدها در پیوند با تغییرات اقلیمی و افزایش دما، ضرورت اتخاذ راهبردهای هماهنگ میان سازمان‌های محیط‌زیستی، حمل‌ونقل و خدمات شهری را بیش از پیش برجسته می‌سازد. علاوه بر این، ضعف قوانین جامع یا اجرای ناکارآمد مقررات موجود، به‌مثابه عاملی بازدارنده، مانع انسجام مدیریتی در سطح کلان و منطقه‌ای شده است. در راستای تحلیل وضعیت موجود، تحلیل SWOT به‌عنوان ابزار کلیدی در این پژوهش، توانست نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای مرتبط با مدیریت یکپارچه و زیست‌پذیری شهری را به صورت نظام‌مند شناسایی و اولویت‌بندی کند. بر اساس داده‌های گردآوری‌شده از طریق پرسشنامه‌های خبرگان و کارشناسان، نتایج این تحلیل حاکی از آن است که در بُعد ضعف‌ها و تهدیدها، آلودگی‌های زیست‌محیطی و کمبود هماهنگی‌های نهادی از مهم‌ترین چالش‌های موجود محسوب می‌شوند؛ در حالی که در بُعد فرصت‌ها، استفاده از فناوری‌های هوشمند، سامانه‌های GIS و توسعه زیرساخت‌های نوین فناوری اطلاعات ظرفیت مهمی برای ارتقای کارایی، شفافیت و پاسخ‌گویی در مدیریت شهری فراهم ساخته است. به‌کارگیری این فناوری‌ها می‌تواند ضمن کاهش هزینه‌های اجرایی و افزایش بهره‌وری،

به بهبود فرایند تصمیم سازی و ارتقای رفاه عمومی کمک نماید. در نتیجه، برای بهبود زیست‌پذیری در منطقه ۳ تهران، اجرای سیاست‌های مبتنی بر مدیریت یکپارچه نیازمند تمرکز بر سه محور اصلی است:

۱. تقویت هماهنگی و هم‌پوشانی نهادی میان سازمان‌های شهری؛
۲. بهره‌گیری هوشمند از فناوری‌های نوین شهری در رصد، تحلیل و تصمیم‌سازی؛
۳. بهبود منابع مالی پایدار و نظام برنامه‌ریزی مشارکتی با تأکید بر عدالت فضایی.

نتایج پژوهش حاضر می‌تواند به‌مثابه چارچوبی راهبردی برای سیاست‌گذاران، مدیران شهری و نهادهای محلی مورد استفاده قرار گیرد. اتخاذ راهبردهای پیش‌نهادی در سطوح میان‌سازمانی، ضمن ارتقای کیفیت زندگی شهروندان منطقه، می‌تواند به‌عنوان الگویی برای سایر مناطق تهران و کلان‌شهرهای کشور نیز به‌کار گرفته شود. در نهایت، یافته‌های این تحقیق تأکید می‌کند که مدیریت یکپارچه شهری نه تنها ابزاری اجرایی، بلکه سازوکاری راهبردی در جهت تحقق زیست‌پذیری پایدار، عدالت اجتماعی و پایداری محیطی است. شناسایی دقیق نقاط ضعف و تهدیدها، همراه با بهره‌برداری از ظرفیت‌ها و فناوری‌های نوین، می‌تواند زمینه‌ساز تحول در کیفیت حکمرانی شهری و دستیابی به شهری زیست‌پذیر، ایمن و کارا گردد.

منابع

- پوراحمد، احمد، اکبریور، محمد، ستوده، سمانه (۱۳۸۸)، مدیریت فضای سبز شهری منطقه ۹ شهرداری تهران، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، (۶۹): ۲۹-۵۰.
- جودکی، حمیدرضا، قاسم‌پور، آرش (۱۴۰۰)، چالش‌های حکمروایی مدیریت یکپارچه شهری و ارائه راهکارهای عملیاتی، نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، ۵(۱۶): ۱-۱۵.
- رجب‌صلاحي، حسین (۱۳۸۳)، ساختار حکومت محلی، مدیریت شهری و شهرداری، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهری.
- رضویان، محمدتقی (۱۳۸۱)، مدیریت عمران شهری، تهران: پیوند نو.
- رهنمایی، محمدتقی، مدیری، مهدی، خدشاهی، علی (۱۴۰۰)، بررسی عوامل یکپارچگی مدیریت کلان‌شهر تهران: چالش‌ها و راهبردها، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۱۱(۳): ۱۱۱-۱۳۳.
- سرور، رحیم، آشتیانی، مجیدرضا، اکبری، مجید (۱۳۹۶)، واکاوی عوامل مؤثر بر تحقق‌پذیری مدیریت یکپارچه شهری (مطالعه موردی: کلان‌شهر تهران)، جغرافیا (نشریه انجمن جغرافیایی ایران)، ۱۵(۵۲): ۳۷-۵۲.
- سلیمانی‌مهرنجانی، محمد، تولایی، سیمین، رفیعیان، مجتبی، زنگانه، احمد، خزائی نژاد، فروغ (۱۳۹۵)، زیست‌پذیری شهری: مفهوم، اصول، ابعاد و شاخص‌ها، پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، ۴(۱): ۲۷-۵۰.
- شيعه، اسماعيل (۱۳۸۶)، لزوم تحول مدیریت شهری در ایران، تهران: دانشگاه تهران.

میرم سعودی، سید پویا، منصوره ارمکی، رضا (۱۳۹۷)، بررسی راهکارهای تحقق مدیریت یکپارچه شهری در شهر تهران، مطالعات مدیریت شهری، ۱۰(۳۴): ۴۵-۶۰.

Campbell, Scott. (1996). *Green cities, growing cities, just cities? Urban planning and the contradictions of sustainable development. Journal of the American Planning Association*, 62 (3), 296-312.

Gehl, Jan. (2010). *Cities for people*. Washington DC: Island Press.

Mamojnova, Alexandra, Li, Tian, & Zhang, Rong. (2024). *The role of green spaces in urban planning. Journal of Urban Ecology*, 18 (2).

Marit, Stefan, Johansson, Klara, & Lee, Daniel. (2022). *Smart city: The most symbolic expression of contemporary urbanism. Urban Policy Quarterly*, 23 (1).

Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD). (2023). *Urban policy review: Smart cities and inclusive growth*. Paris: OECD Publishing.

Pira, Anna. (2022). *A new classification of smart city indicators. International Journal of Smart Urban Systems*, 19 (3).

United Nations. (2015). *Sustainable development goals (Goal 11: Sustainable Cities and Communities)*. New York: United Nations.

UN-Habitat. (2020). *World cities report: The value of sustainable urbanization*. Nairobi: United Nations Human Settlements Programme.

Yang, Yulin. (2024). *Building an urban viability assessment system. Urban Sustainability Journal*, 12 (1).

Xing Shu, Jing, Chen, Wei, & Zhao, Ping. (2022). *Analysis of intelligent human resource management. Journal of Urban Informatics*, 15 (2).